



نوجوان و نقش نهادهای اجتماعی

ناصر مردان پور

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

نوجوانی، بخش پرتلاطم زندگی فردی هر انسانی است که زندگی برزخی، تغییر نگرش‌ها، ابهام، تخیل‌ها، تحول ارزش‌ها و بحران بلوغ، بخشی از ویژگی‌های آن است. نوجوان به تدریج رشد می‌کند و دوره نوجوانی و مهم‌ترین فراز آن یعنی «بحران هویت» را پشت سر می‌نهد. در این دوره، نوجوان به استقلال، گروه‌گرایی و الگوگزینی احساس نیاز می‌کند. عدم تحمل انتقاد، توجه به وضع ظاهری و مانند آن برخی دیگر از خصوصیات عاطفی او در این دوره است. در دوره نوجوانی، نوجوانان از طریق خانواده، نهادهای آموزشی، رسانه‌های گروهی، حکومت و گروه همسالان، تأثیر می‌پذیرد؛ و شخصیت روحی و روانی آنان به همراه ساختار فیزیکی آن‌ها شکل می‌گیرد. در مقاله حاضر، موارد فوق، به اجمال تشریح می‌گردد.

ویژگیهای دوران نوجوانی:

نوجوانی دوره پیچیده‌ای از رشد انسان است که دامنه آن از ۱۳ تا ۱۸ سالگی امتداد دارد. این دوره دارای ویژگی‌های خاصی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- نوجوانی برزخی است بین کودکی و بزرگسالی: «لوین» دوره نوجوانی را به یک زندگی برزخی و حاشیه‌ای تشبیه می‌کند، چرا که فرد به دلیل تغییرات روحی - روانی و جسمی، نه کودک است و نه بزرگسال.^(۱) بنابراین نه انتظار کودک از آنها می‌رود

و نه در دنیای بزرگترها، یعنی قلمروی که بتوانند به جست و جوی موقعیت اجتماعی خود برخیزند، برای آنها جایی وجود دارد. در نتیجه نوجوانان در برزخ بین کودکی و بلوغ، با همسالان خود، الفت گرفته، به کمک آنها گروه تشکیل می‌دهند و حتی ممکن است بر ضد ارزش‌های اجتماعی بزرگ‌ترها عصیان کنند.^(۲) به همین جهت نوجوانی را «زندگی تشنج‌انگیز، دوران منفی»^(۳) و دوران طوفان یا فشار یا تولدی دوباره نامیده‌اند.^(۴)

۲- نوجوانی یک دوره تغییر است: در طی دوره نوجوانی به تناسب تغییرات بدنی سریعی که در نوجوان بوجود می‌آید، نگرش‌ها و رفتار آنها نیز تغییر می‌کند، در نتیجه این تغییر ارزش‌ها و به تبع آن نقش‌های اجتماعی آنها نیز تغییر خواهند یافت. بنابراین، آنچه در دوران کودکی برای آنها مهم بود، در این دوره اهمیت کمتری پیدا می‌کند. مثلاً «پیروی آنها از گروه همسالان، برایشان بسیار مهم‌تر از پیروی از خانواده است.»^(۵) در طی این دوره نوجوانان بلوغ را تجربه می‌کنند، بحران هویت را تجربه می‌کنند، از نظر هوشی به مرحله تفکر انتزاعی می‌رسند برای پذیرش مسؤلیت‌های بزرگسالانه و ورود به صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه آماده می‌شوند.^(۶) از این رو، «مارشیا» دوره اولیه نوجوانی را به عنوان مرحله ویران‌گری در تشکیل هویت می‌داند، به خصوص علاقتند می‌شوند که ارزش‌ها و همانندسازی‌های کودکانه خود را دو مرتبه بررسی نمایند.^(۷)

۳- نوجوانی دوره ابهام و سردرگمی است: شرایط روحی، روانی و جسمی خاص حاکم بر دوره نوجوانی به گونه‌ای است که آنها را در حالی از تشویش، نگرانی و سردرگمی فرو می‌برد. اهمیت این مسأله به قدری است که حتی برخی این دوره را به نوعی جنون و مستی تشبیه کرده‌اند. به همین دلیل انتظار ثابت و معینی از نوجوانان نمی‌توان داشت.^(۸)

۴- نوجوانی دوره عاطفی - انفعالی است: در دوره نوجوانی حیات عاطفی - انفعالی، میدان وسیع‌تری برای عمل پیدا می‌کند و نوجوان از این حیث آماده بروز عکس‌العمل‌های هیجانی و عاطفی شدیدی می‌شود که پیش از هر دوره دیگر، شخصیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵- تأثیرپذیری: نوجوان‌ها زودتر متأثر از امور می‌شوند، نوجوان‌ها یک نهال نارس هستند که این نهال نارس، زود آسیب می‌بیند و زود هم تربیت می‌شود.^(۹)

۶- نوجوانی دوره خیال‌پردازی شخصی است: نوجوان، معمولاً تمایل دارد که خود را یک شخص غیر عادی، با سرنوشتی استثنایی، در نظر بگیرد. این تخیل را که یکی

از جلوه‌های خود مداری است، خیال‌پردازی شخصی می‌نامند. در رفتار نوجوان، نگرش خودمدار دیگری نیز مشاهده می‌شود. نوجوانانی که ساعت‌ها در جلو آینه می‌ایستند، می‌توانند نگاه‌های خیره شده، شگفت‌انگیز و افسون‌گر دیگران را تصور کنند. آنها خود را در مقابل یک شنونده خیالی که مورد توجه او هستند، می‌بینند. وقتی این نوجوانان با یکدیگر ملاقات می‌کنند، بیش از آنکه به فکر مشاهده دیگران باشند در این فکر هستند که از جانب دیگران مورد مشاهده قرار می‌گیرند. آنها در آغاز نوجوانی، گمان می‌کنند که دنیا با آنها شروع شده و فقط برای آنهاست. اما در حدود ۱۵ و ۱۶ سالگی این خودمداری افراطی به تدریج افت می‌کند و نوجوان به این نتیجه می‌رسد که دیگران نیز به خود و مسائل خود و نه به او فکر می‌کنند. (۱۰)

۷- توانایی استدلال به صورت انتزاعی: نوجوان در مرحله عملیات صوری، که مرحله فرضی - قیاسی نامیده می‌شود، توانایی استدلال به صورت انتزاعی و استنتاج یک نتیجه منطقی از پیش فرض را به دست می‌آورد. در این مرحله نوجوان می‌تواند، در خارج از دنیای واقعی، دنیاهای ممکن دیگری نیز در ذهن خود خلق کند، به کمک پیش فرض‌ها بیندیشد، مفاهیم را دستکاری کند و سمبل‌ها یا نمادها را به کار گیرد، و برخی ویژگی‌ها را در ذهن خود ثابت نگهدارد و برخی دیگر را به طور منظم تغییر دهد. بنابراین، او می‌تواند فرضیه‌هایی را ارائه دهد و براساس همین فرضیه‌ها استدلال کند، و اصول علمی را بفهمد. (۱۱)

۸- نوجوانی دوره بحران بلوغ است: فرایند بلوغ یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است.

«استانلی هال» این مرحله را دوران طوفان و فشار می‌نامد. نوجوانان در این دوره، تمایلات و خواهش‌های متضادی دارند و خودخواهی کودکانه با نوع پرستی خیرخواهانه را درمی‌آمیزند. با این‌که نوجوان می‌خواهد با دوستان خود باشد، علاقه‌مند به تنهایی است. نوجوانی با تغییرات بیولوژیکی آغاز می‌شود، این تغییرات در دختران در سن ۹ تا ۱۲ سالگی و در پسران از ۱۱ تا ۱۳ سالگی بروز می‌کند. غیر از عوامل بیولوژیکی، عوامل اجتماعی نیز در تغییرات بلوغ تأثیر دارند.

حالت هیجانی در دوره بلوغ غنی‌تر شده و گاهی به صورت حساسیت و هیجان شدید درمی‌آید. توجه و دقت نسبت به بدن زیاد می‌شود، حجب و حیا ظاهر می‌گردد و نشانه این است که تماس با دیگران برای نوجوانان دشوار است. تغییر و تلون علایق و عقاید و میل به بحث در نوجوانان زیاد می‌شود و آن مقدمه‌ای برای پختگی عقلی است. مخالفت با

نزدیکان مخصوصاً با اعضای خانواده به صورت‌های مختلف بروز می‌کند. این عناد با والدین نشانه‌ای بر میل به تشخیص طلبی است، و نوجوان بدین وسیله می‌خواهد خود را نشان دهد. (۱۲) تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی، نوجوان را تهدید می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نوبازسازی کند.

۹- نوجوانی دورهٔ تحول ارزش‌ها: نوجوان تمام روابط و باورهایی را که در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است، مورد پرسش و تردید قرار می‌دهد و سعی می‌کند با توجه به شخصیت شکل‌پذیر و استقلال‌جویی خود، نظامی از ارزش‌ها دربارهٔ زیبایی، حقیقت و قدرت و دین به دست آورد. ارزش‌ها در بین نوجوانان با بزرگسالان متفاوت است. در دوران نوجوانی مهم‌ترین مسأله‌ای که مورد تحول قرار می‌گیرد، اعتقادات مذهبی نوجوان است. او در این دوره در اعتقادات مذهبی خویش تردید و شک می‌کند، به گفتهٔ شهید مطهری از شک و تردید نباید ناراحت بود، شک مقدمهٔ یقین و پرسش مقدمهٔ وصول و اضطراب مقدمهٔ آرامش است. شک معبر خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است.

۱۰- مشکل تحصیل: گاهی عقب ماندگی در تحصیل در اثر تشتت فکری و وضع آشفته و هیجانانی است که به مناسبت بلوغ در نوجوانان ایجاد شده است. از یک سو، بحران بلوغ و مسائل مربوط به آن و از سوی دیگر بحران هویت و مسائل ارزشی و از طرفی روابط با والدین و همسالان، نوجوان را بر سر راه‌های انتخاب قرار می‌دهد و واقعاً نمی‌داند از زندگی چه می‌خواهد و دیگران نسبت به او چه عکس‌العملی نشان می‌دهند. این امور، باعث ناراحتی، افسردگی و اضطراب نوجوان و در نتیجه عقب‌افتادگی و شکست در تحصیل می‌شود.

نیازهای دوران نوجوانی

در دوره نوجوانی، نیازهای زیر در نوجوانان پدید می‌آید:

۱- نیاز به استقلال: کسب استقلال و بی‌نیازی نوجوانان نسبت به بزرگ‌ترها، یکی از نیازهای مهم دوران نوجوانی است که منشأ بسیاری از روابط تازهٔ انسانی و رفتاری نوجوانان به شمار می‌رود. به عنوان مثال، به علت نیازی که نوجوانان به کسب استقلال دارند، از قبول ارزش‌های بزرگ‌ترها سرباز می‌زنند و برای اینکه آزادی خودشان را نشان دهند به نقی این ارزش‌ها، تظاهر می‌کنند. (۱۳)

۲- نیاز به گروه‌گرایی: در دوران نوجوانی، احساس تعلق نوجوانان به گروه، به بالاترین حدّ خود رسیده و نوجوانان به جای تقلید و پیروی از الگوهای خانواده، به تقلید و همسان‌سازی خود با گروه همسالان می‌پردازد. نوجوانان که به محبت و دوستی و پذیرش همسالان نیازمند هستند، برای جلب توجه و رضایت خاطر دوستانشان می‌کوشند مثل آنها لباس بپوشند، نظیر آنها رفتار کنند و به عقاید و خواسته‌های گروه همسالان خود احترام بگذارند، حتی گرایش نوجوانان به گروه‌های ناسالم اجتماعی، برای غلبه بر تنهایی و احساس عدم تعلق آنها به اجتماع است. (۱۴)

۳- نیازهای جنسی: یکی از نیرومندترین غرایزی که با شروع دوره بلوغ در نوجوانان شکوفا شده، و با رشد سریع خود، موجب وارد آمدن فشارهای روحی- روانی زیادی بر نوجوانان می‌شود، غریزه جنسی است. همچنین گرایش نوجوانان در این دوره به جنس مخالف تشدید شده و موجب تغییرات رفتاری آنها در جامعه می‌شود. بدین جهت نوجوانان می‌کوشند به شیوه‌های گوناگون و متضاد، توجه جنس مخالف را به سوی خود جلب کنند و در این مسیر ممکن است دست به هر نوع انحرافی بزنند. (۱۵)

۴- نیاز به الگوگزینی: برخلاف دوره کودکی که کودک فقط خود را با افرادی که در محیط زندگی با آنها تماس داشت، منطبق می‌ساخت، در دوره نوجوانی، نوجوانان خود را با هر شخصیت واقعی یا خیالی، دور یا نزدیک، انطباق می‌دهند. زیرا در دوره بلوغ و نوجوانی، ارزش‌های اخلاقی به اصول تبدیل نمی‌شوند بلکه در وجود الگوهای انسانی تجلی می‌کنند و صورت‌هایی به خود می‌گیرند که نوجوانان سعی می‌کنند به شکل آنها درآیند و از آنها پیروی کنند. (۱۶)

۵- نیاز به هویت: بهترین تعبیر از هویت به معنای روان‌شناسی را اریکسون ارائه داده است؛ به نظر او «هویت فردی، وحدتی است که بین سه سیستم زیستی، اجتماعی و روانی به وجود می‌آید و بدان وسیله نوجوان می‌داند کیست؟ آیا کودک است یا بزرگسال؟ چه می‌خواهد، به چه جامعه و فرهنگی تعلق دارد و بر گذشته و آینده‌اش آگاه است. در صورتی که چنین وحدتی حاصل نشود، نوجوان دچار پریشانی گردیده و به اختلالات رفتاری و روانی گوناگون گرفتار می‌آید.» (۱۷)

خصوصیات عاطفی در دوره نوجوانی

عمده‌ترین خصوصیات عاطفی دوران نوجوانی به اختصار عبارتند از:

۱- عدم تعادل و بی‌ثباتی عاطفی

- ۲- تلاش برای کسب استقلال عاطفی از والدین و مورد توجه همسالان واقع شدن.
- ۳- عدم تحمل انتقاد و سرزنش، در عین حالیکه خودش از دیگران انتقاد می‌کند.
- ۴- می‌خواهد به دیگران بقبولاند که فرد مهمی است.
- ۵- در برابر ناکامی، حالات یأس و نومیدی به وی دست می‌دهد.
- ۶- توجه به وضع ظاهری و لباس و آرایش خود دارد.
- ۷- حالات رؤیایی و عاشق پیشگی دارد.
- ۸- نگران آینده است، آینده تحصیلی، شغلی، اقتصادی، اخلاقی، جنسی و... (۱۸)

با تشدید احساسات و عواطف در دوره نوجوانی، نوجوانان از واقعیت‌های عینی محیط فاصله می‌گیرند و به عالم خیال و رؤیا پناه می‌برند و به تقلید از قهرمانان و شخصیت‌های ایده‌آل خود می‌پردازند و بدان وسیله، تمایلات و خواسته‌های درونی خود را افزایش می‌بخشند و موجب می‌گردند که افکار و احساسات خود را در قالب رؤیا و خیال، یعنی بدانگونه که می‌خواهند و نه آنطوری که هستند، ارائه دهند و خود را ارضاء کنند. (۱۹)

طبقه‌بندی مشکلات نوجوانان و جوانان

ورود به دوره نوجوانی، فرد را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند مشکلات دوره نوجوانی مورد بررسی و توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است. در یک جمع‌بندی مختصر و با اندکی تسامح مشکلات نوجوان را می‌توان به پنج دسته زیر تقسیم نمود:

- ۱- اختلال در تصویر بدنی ۲- بحران خودشناسی ۳- مشکل اجتماعی شدن ۴- مسأله جنسی ۵- بیماری‌های روانی.

با انجام چند تحقیق در زمینه مشکلات نوجوانان ایران، مسائل آنان به صورت زیر طبقه‌بندی شده است:

- ۱- دشواری‌های مالی ۲- دشواری‌های تحصیلی ۳- دشواری‌های ناشی از تعارض گذشته و روزگار کنونی ۴- دشواری‌های ناشی از مناسبات خانوادگی ۵- دشواری‌های ناشی از تمایلات جنسی ۶- اعتیاد ۷- دشواری‌های ایّام فراغت ۸- اضطراب و نگرانی‌ها. (۲۰)

در بررسی دیگر، مسائل دانش‌آموزان دبیرستانی در تهران، نتایج ذیل به دست آمده است:

- ۱- فقدان اطلاعات کافی برای انتخاب رشته تحصیلی ۲- احساس حقارت

۳- کم‌رویی و خجالت ۴- محدودیت دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجو ۵- فقدان تفریح و سرگرمی ۶- انتخاب رشته تحصیلی بدون داشتن استعداد، علاقه و رغبت ۷- تعارض با والدین ۸- مسائل و مشکلات مادی ۹- تغییر دادن رشته تحصیلی ۱۰- فقدان هدف مشخص در زندگی و مدرسه ۱۱- فقدان کمک برای یافتن شغل ۱۲- فقدان استعداد و توانایی برای سازگار شدن با محیط جدید ۱۳- نداشتن دوست و رفیق ۱۵- مسائل جنسی و اثرات ناشی از آن. (۲۱)

با جمع‌بندی مشکلاتی که در دوره نوجوانی مطرح است، می‌توان مشکلات آنان را به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

- ۱- بحران بلوغ و مسائل ناشی از تحولات آن. ۲- بحران هویت و سردرگمی ۳- مشکل مناسبات و روابط با والدین و هم‌سالان. ۴- تحول ارزش‌ها ۵- مشکل تحصیل ۶- مشکل مالی و شغلی ۷- مشکل اوقات فراغت ۸- مشکلات جنسی ۹- بزهکاری ۱۰- مشکل اعتیاد. ۱۱- مشکلات ناشی از معلولیت و نقایص بدنی. ۱۲- مشکلات ناشی از بیماری‌های روانی

ضعف کارکرد نظام اجتماعی

درباره تأثیرات فضای زندگی محاط بر نوجوانان که اغلب همان فضای شهری است، نظریه‌های زیادی طرح شده است که محور کلی آنها، دیدگاه‌های فضایی، خصوصاً دیدگاه رئالیستی فضا است. براساس این دیدگاه «شکل‌گیری خرده فرهنگ جرم‌زا، به زمینه‌های فضایی مناسب با خود نیازمند است.» (۲۲)

با الهام از این محور کلی و براساس دیدگاه‌های نظری اکولوژیکی و فرهنگ‌گرایی فضای شهری و نظریه پردازان فضای شهری که در زمره این دیدگاه قرار می‌گیرند، از این خلدون گرفته تا بنیانگذاران و صاحب نظران این دیدگاه‌ها - لوئیت ورت و رابرت ازار پارک - و نظریه‌های شهری دورکیم، تونیس، زپل، گیدنز و دیگران، می‌توان برای شهرهای امروزی، خصوصاً مادر شهری مثل تهران، فضایی را متصور شد که این فضا به تناسب احاطه‌ای که بر افراد دارد، نوعی خرده فرهنگ جرم‌زا و انحرافی بوجود آورده و خصوصاً نوجوانان را تحت تأثیر قرار داده است. (۲۳) به عبارت دیگر فضای زندگی شهری، افراد، خصوصاً نوجوانان به لحاظ ویژگی‌های روانشناختی‌شان که پیش از این به آنها اشاره شد، آمادگی بیشتری برای انحراف و کجروی پیدا می‌کنند. به علاوه، هنگامی که فضای زندگی شهری یا محیط زیست فیزیکی انسان متأثر از عامل بیرونی به نام

فرهنگ غربی باشد که توسط عوامل نظام اجتماعی نیز تشدید می‌شود. زمینه مساعد گرایش افراد در آن فضا به فرهنگ غربی، به ویژه برای نوجوانان که به زعم روان‌شناسان فاقد تجربه کافی هستند، بیشتر فراهم است. این مسأله امروزه به خصوص در شهر تهران، در حد وسیعی به چشم می‌خورد، بافت امروزی شهر تهران از سبک معماری ساختمانها گرفته تا وسایل زندگی شهرنشینان و... بیشتر تبدیل به بافت غربی شده است و این فضای متناسب و متشابه فرهنگ غرب زمینۀ گرایش‌های رفتاری و اخلاقی نوجوانان را خصوصاً به فرهنگ غربی، فراهم ساخته است، چرا که روح حاکم بر این فضای زندگی، خالی از هویت اجتماعی و فرهنگی و بومی است. (۲۴) بنابراین، می‌توان گفت گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی تا حدی تحت تأثیر فضای زندگی شهری متناسب با فرهنگ غربی تسهیل شده است، و این تأثیرپذیری، از سوی نهادهای اجتماعی زیر صورت می‌گیرد:

۱- نهاد خانواده

خانواده به عنوان اولین، کوچک‌ترین و مهم‌ترین عامل واسط میان فرد و جامعه است. کودکان و نوجوانان در خانواده یاد می‌گیرند که در اجتماع چگونه عمل کنند. بنابراین، فرایند جامعه‌پذیری که زمینه‌های کسب هویت اجتماعی نوجوانان در گرو عمل‌کرد آن است، از خانواده آغاز می‌شود. «بروس کوئن» درباره نقش خانواده در جامعه‌پذیری فرزندان معتقد است: «خانواده نماینده تمامی جهان پیرامون کودکان است، تصویری که کودکان از خودشان دارند، بستگی به این دارد که اعضای خانواده چه احساسی درباره‌شان دارند، بدین سان برداشت آنها از خودشان، جهان و مردم پیرامون‌شان، مستقیم تحت تأثیر رویکردها و باور داشت‌های خانواده‌هایشان شکل می‌گیرد. ارزش‌هایی که یک فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود انجام‌شان دهد، نخست در چارچوب خانواده آموخته می‌شوند.» (۲۵) در جامعه خانواده، هر کسی می‌تواند مؤثر باشد، علت این است که کودک بزرگترین و بیشترین تجربه را از پدر و مادر می‌گیرد و چون کمتر تجربیات را در طول زندگی داشته است در کوتاهترین مدت بیشترین تأثیر را از تجربیات فرا می‌گیرد. ولی همیشه ممکن است دوره‌های بعدی دوره‌های قبلی را جبران کند. (۲۶)

مهم‌ترین وظیفه‌ای که در روند جامعه‌پذیری و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی نوجوانان برعهده خانواده و عموماً در جامعه ما بدان توجه نشده است، مسأله تربیت اجتماعی و ایجاد رابطه انسانی با نوجوانان و ارزش‌های قابل‌شدن برای

آنها و مشارکت آنها در خانواده است تا پایه‌های شخصیت اجتماعی نوجوانان در خانواده به نحو احسن پی‌ریزی شده و نوجوانان، احساس هویت کنند. برای این منظور «والدین»^(۲۷) باید با ویژگی‌ها، نیازها و انگیزه‌های نوجوانان آشنا شده و با برقراری رابطه انسانی، در صدد تربیت آنها برآیند. اگر خانواده‌ها، احساس مسؤولیت کرده، به نحو مؤثری در تربیت فرزندان خود متناسب با ارزش‌های جامعه تلاش کنند، زمینه کمتری برای انحراف آنها پدید خواهد آمد. اما متأسفانه امروزه، از طرفی در جامعه ما اغلب خانواده‌ها برداشتشان از مسؤولیت در قبال فرزندان، بیشتر در زمینه امرار معاش آنها بوده و به دلیل گرفتاری‌های زندگی شهری، وقت مناسب و حوصله کافی برای تربیت و برقراری رابطه عاطفی با فرزندان خود پیدا نمی‌کنند و از طرف دیگر هم متأسفانه به خاطر حاکم بودن روحیه استبدادگونه‌ای که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایرانی ما دارد، برخوردهای والدین با نوجوانان به گونه‌ای نیست که احساس هویت را در آنها زنده کند، بلکه اغلب نوجوانان در خانواده‌ها تحقیر شده و احساس سرخوردگی می‌کنند.

مسأله مهم دیگر، برای برقراری رابطه انسانی والدین با نوجوانان برای تربیت و جامعه‌پذیری آنها، این است که والدین به تناسب مراحل رشد فرزندان خود باید نقش‌های جدیدی انتخاب کنند؛ زیرا براساس نظریات روان‌شناسان، نوجوانان تحت فشار فیزیکی مثل بلوغ و فشارهای روانی دیگر، بسیار احساسی‌تر از کودکان شده و نیاز به والدینی دارند که رفیق و حامی آنها بوده، آنها را درک کرده و برایشان ارزش قابل شوند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره ایفای نقش والدین به تناسب سن و نیازهای آنان فرموده‌اند: «فرزند تو در هفت سال اول، حکم سرور و سلطان، در هفت سال دوم، حکم مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم (یعنی دوره نوجوانی) حکم وزیر و مشاور را دارد.»^(۲۸)

توجه به نکات ظریف این دستورالعمل رسول گرامی اسلام، در زنده کردن احساس هویت نوجوانان و جلوگیری از انحراف آنها بسیار نقش تعیین کننده‌ای دارد. بنابراین، در صورتیکه خانواده‌ها به لحاظ پایگاه عاطفی خاصی که دارند برای نوجوانان ارزش قابل شده، آنها را در پناه خود بگیرند و وظیفه جامعه‌پذیری خود را در قبال آنها به خوبی انجام دهند، زمینه مناسب و مساعد برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی آنان را فراهم کرده و این احساس، در برابر انحرافات اجتماعی به عنوان عامل بازدارنده از انحرافات آنان جلوگیری خواهد کرد. در غیر این صورت، شکل‌گیری فرایند احساس

هویت اجتماعی نوجوانان در اثر فشارها و خلاءهای خانواده منقطع شده و نوجوانان در برابر امواج انحرافی آسیب پذیر خواهند شد.

۲- مدرسه (نهاد آموزشی)

نقش نهاد آموزشی یا مدرسه، در جامعه پذیر کردن نوجوانان و در نتیجه فراهم ساختن زمینه لازم برای کسب هویت اجتماعی آنها در جامعه ما، از سه جنبه قابل نقد است:

یک جنبه شامل انتقادات کلی است که بر کارکرد نظام آموزشی و مدرسه‌ای در دوره جدید وارد شده است، یعنی نظام آموزشی به دلیل اینکه دومین پل ارتباط اجتماعی بین فرد و جامعه است و در دوران جدید حتی نقش آن گاهی مؤثرتر از خانواده ارزیابی می‌شود، باید کارکرد آن متناسب با نیازهای اجتماعی بوده و بتواند نوجوانان را برای زندگی اجتماعی پرورش دهد. برای این منظور اول باید محتوای دروس آن علاوه بر یک سری اطلاعات خشک و نظری، به نحوی باشد که اصول زندگی اجتماعی را نیز به آنها بیاموزد، نظام آموزشی باید به دانش‌آموزان شخصیت داده و برای آنها ارزش قابل باشد زیرا، قبل از هر چیز، نوجوانان و دانش‌آموزان در نظام آموزشی به دنبال کسب شخصیت اجتماعی هستند. از این نظر، متأسفانه نظام آموزشی جامعه ما وضعیت نامطلوبی دارد، زیرا از یک طرف، محتوای دروس مدارس نه متناسب با نیازهای روز جامعه قرن بیستم بوده و نه توانایی درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای بومی در آنها را دارد. چرا که نظام آموزشی جامعه ما با نگرش بسیار محدود، تنها معیار خودش را در پیشرفت درسی دانش‌آموزان و به تعبیر درست‌تر، حفظ کردن همه چیز و تابعیت محض شاگرد، خلاصه کرده است و کمتر برنامه‌ریزی جدیدی در آن برای سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان به چشم می‌خورد. «نتایج برخی تحقیقات در این زمینه نشان داده است که دانش‌آموزان یکی از مشکلات عمده خود را عدم کاربرد عملی محتوای دروس در زندگی اجتماعی اظهار کرده‌اند، به ویژه کسانی که قصد رفتن به دانشگاه را نداشته‌اند.»^(۲۹) از طرف دیگر به دلیل حاکم بودن روحیه استبدادگونه‌ای که ریشه در تاریخ فرهنگ ما دارد که در مبحث خانواده به آن اشاره شد، غالباً نظام آموزشی و مدارس به شخصیت نوجوانان اهمیت نداده و روش‌های تربیتی آنها بیشتر مبتنی بر برخورد‌های پرخاشگرانه و به وجود آوردن احساس سرخوردگی در نوجوانان است که این مسأله در احساس بی‌هویتی و بروز بحران هویت در نوجوانان مؤثر است.

جنبه دوم انتقاد به نظام آموزشی موجود در جهت جامعه‌پذیری نوجوانان و متناسب

با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، این است که نظام آموزشی به سهم خود در سال‌های اخیر نتوانسته است با تحولات سریع جامعه همگام باشد. یعنی آنچنان که این تحولات ایجاد می‌کند، انعطاف‌پذیر نیست. چونکه سیستم آموزشی به صورت سازمان‌سوی درآمده است و افراد و برنامه‌ها به اجبار باید خود را با معیارهایی که معین شده است، وفق دهند و وقتی که رعایت معیار پیش آمد، توجه به تحولات فکری و ذوقی جامعه و پیروی از آن، کار مشکلی می‌شود. این است که نوجوانان به علت متأثر بودن شدیدشان، نشانه‌های سریع آنچه را که هنوز جامعه از تغییر و تحول ظاهر نکرده است، در خود را با حالت‌های گوناگون منطبق کند و برای تک تک افراد راه و رسمی پیدا نماید.

به خصوصیات روحی، معنوی، فکری و ذوقی افراد توجه نمی‌شود و گویی همه کودکان و نوجوانان با هم در همه امور از نظر استعداد و قریحه برابرند و به رسیدگی و مراقبت خاص نیاز ندارند. راه‌ها، هادی و ناصح مشفق هم وجود ندارد که آنها را در مراحل مختلف راهنمایی و رهبری کند و تنها تفاوتی که نظام آموزشی میان افراد قایل است، فقط تفاوت میان قوی و ضعیف‌تر است. این طرز تفکر ناشی از کل نظام اجتماعی است که گویی در جامعه همه افراد هم‌سان و شبیه هستند. در نتیجه این روش سازمان آموزش، برای نیازهای روحی و معنوی نوجوانان ملجأ به شمار نخواهد آمد و محل شکستگی شخصیت آنان خواهد بود. (۳۰)

جنبه سوم انتقاد به نظام آموزشی موجود در کشور در جهت جامعه‌پذیری نوجوانان و متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، مسأله غربی بودن بنیان نظام آموزشی جدید در ایران است.

نظام آموزشی جدید در ایران، نتیجه اصلاح و تکامل نظامات سنتی آموزش و پرورش جامعه نیست، بلکه همچون نهالی است که از سرزمین بیگانه و به دست بیگانه در کشور ما کاشته شده است و نگاهبانی و پرورش آن نیز تا مدت‌ها با نظارت و مدیریت مستقیم بیگانه و پس از آن با مشارکت ایرانیان هم سو و هم سود با بیگانگان صورت گرفته است و طبعاً نتایج و محصولات آن نیز نمی‌توانسته برخلاف این مسیر، مورد انتظار باشد. (۳۱) چارچوب اصولی دروس نظام آموزشی در حال حاضر نیز مبتنی بر اصول نظام آموزشی غربی است و هماهنگی کمی با فرهنگ سنتی و هنجارهای اجتماعی جامعه ما دارد. (۳۲) البته دروسی مثل دینی، تاریخ و اجتماعی و... در نظام آموزشی جامعه ما وجود دارند اما به دلیل این که در حاشیه قرار گرفته‌اند و اغلب دارای محتوایی خشک و غیر جاذب بوده، ارضاء‌کننده نیازهای یک دانش‌آموز امروزی نیست و نتوانسته

است الگویی برای آنها بسازد و آن‌ها را متناسب با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، جامعه پذیر کند. (۳۳)

بنابراین نظام آموزشی جامعه ما به دلیل اینکه اهداف، اصول و برنامه‌های آن خالی از محتوای اصولی فرهنگ خودی بوده و متناسب با نیازها و سیر تحولات و تغییرات جامعه نیست، نتوانسته است ارزش‌ها و الگوهای فرهنگ خودی را برای دانش‌آموزان درونی کند. از طرف دیگر، متولیان و مربیان آن نیز عمدتاً نتوانسته‌اند با دانش‌آموزان رابطه عاطفی برقرار کرده و به آنها شخصیت بدهند و به دلیل برخوردهای خشک و مستبدانه‌شان با نوجوانان خود نیز نتوانستند، الگویی برای آنها باشند تا بدین وسیله آنها را به فرهنگ خودی جذب کرده و زمینه مناسب برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی آنها فراهم کنند. در نتیجه، با استفاده از بیان «لویسن» و دیگر نظریه پردازان می‌توان گفت دانش‌آموزان نوجوان تحت تأثیر محتوای غربی نظام آموزشی و ناموفق بودن آن در جامعه پذیر کردن آنها، به الگوهای فرهنگ خودی پشت کرده و به حوزه الگوهای فرهنگ غربی جذب شده‌اند. به عبارت دیگر، اگر نهاد آموزشی در جامعه ما حتی الامکان وظیفه اجتماعی کردن نوجوانان را متناسب با فرهنگ خودی به نحو مطلوبی انجام داده بود و اگر نوجوانان در این فضا، مورد توجه واقع می‌شدند و به آنها شخصیت داده می‌شد، در رویارویی با امواج انحرافی فرهنگ غربی، احتمال آسیب‌پذیری کمتری داشتند.

۳- رسانه‌های گروهی و ارتباط جمعی

رسانه‌های گروهی یا وسایل ارتباط جمعی (۳۴)، شامل کلیه وسایلی می‌شود که از طریق آن ارتباط حاصل می‌شود. (۳۵) رسانه‌های گروهی، به خصوص تلویزیون از منابع مؤثر در فرایند اجتماعی شدن و از عوامل زمینه‌ساز هویت است. (۳۶) امروز دنیای سینما و تلویزیون و... بیشترین وقت افراد را به خود جلب می‌کند. این‌ها همان کانال‌هایی هستند که می‌توانند حصول و وصول معنای مشترک را برای مردم راحت‌تر کنند و برگشت آنها را نیز راحت‌تر می‌نمایند. (۳۷)

در این مقاله از میان وسایل ارتباط جمعی، تنها به نقد تلویزیون و سینما در خصوص جامعه‌پذیری نوجوانان و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای کسب هویت آنان که بیشتر از سایر وسایل ارتباطی بر نوجوانان و تعیین الگوهای رفتاری آنان تأثیرگذار هستند، اشاره می‌شود.

درباره نقد نظام رسانه‌ای (تلویزیون و سینما) در این زمینه، همچون نهاد مدرسه از دو

منظر می‌توان سخن گفت: از یک منظر، دربارهٔ نقش امپریالیسم رسانه‌ای در الگوسازی برای نوجوانان و جذب آن‌ها به فرهنگ غربی، و از منظر دیگر، دربارهٔ نقش نظام رسانه‌ای جامعهٔ خودمان در اثرپذیری از نظام جهانی امپریالیسم رسانه‌ای و نقش آن در الگوسازی برای نوجوانان.

دربارهٔ تأثیر فرهنگ غربی و نقش امپریالیسم رسانه‌ای، برخی از صاحب‌نظران معتقدند: «از آنجا که این وسایل در غرب به وجود آمده‌اند و گسترش یافته‌اند، بسیاری از برنامه‌های آنان نیز مطابق فرهنگ غربی، تولید می‌شوند. (۳۸)

امپریالیسم رسانه‌ای، با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، به ترفندهای گوناگون متوسل شد. تا فرهنگ دیگرکشورها را مغلوب ارزش‌های خود کند. در این میان نوجوانان و جوانان، در رأس هدف‌های آن‌ها قرار گرفته‌اند، زیرا به زعم نظریه‌های روان‌شناسی، نوجوانان و جوانان وقتی فیلمی را تماشا کنند، به طور ناخودآگاه دنبال شخصیت‌هایی هستند که بتوانند خود را با آن‌ها همانند نمایند و یا از طریق آن‌ها امیال و آرزوهای سرکوفته خودشان را ارضا کنند. (۳۹) در ذیل به برخی از نمونه‌های الگوسازی در قالب خلق قهرمان و شخصیت‌سازی برای نوجوانان و جوانان به وسیله امپریالیسم رسانه‌ای خصوصاً کارخانه‌های فیلم‌سازی هالیوود که از دههٔ پنجاه به بعد شروع شده است اشاره می‌شود:

ابتدا شخص جوانی به نام «مارلون براندو» در فیلم وحشی، اثر «لوزلو بندیکت» مطرح می‌شود که علاوه بر اینکه به طبقات جوان و نوجوان از دیدگاه اجتماعی واقعیت بخشد، بر رفتار فرهنگی - اجتماعی نوجوانان چون پوشیدن شلوارهای لوله‌تفنگی، نوع آرایش موی سر، نحوهٔ برخورد جوانان با یکدیگر و نحوهٔ معاشرت دختران و پسران با یکدیگر، اثر خارق‌العاده‌ای بر جای گذاشت. پس از او، «جیمز دین» در فیلم شورش بی‌دلیل و پس از آن‌ها «الویس پریشلی» رقص و خواننده موسیقی «راک» و اکنون «مایکل جکسون» رقص و خواننده گروه‌های موسیقی رپ و هوی متال و... هر کدام به نوبهٔ خود، به طبقهٔ نوجوان و جوان در کشورهای غربی و تبع آن در کشورهای جهان سوم هویت کاذب تازه‌ای بخشیده‌اند و شرکت‌های رسانه‌ای و پوشاک و... نیز هر کدام به نوبهٔ خود برای کسب سود هر چه بیشتر با الگوسازی این فرآورده‌ها و تقویت چنین فرهنگی در سراسر دنیا به فعالیت پرداخته‌اند. (۴۰)

یکی از نمونه‌های بارز الگوسازی این نظام رسانه‌ای، خلق قهرمان‌هایی چون «لئوناردو دی‌کاپریو» و «کیت وینسلت» در فیلم تاریخی «کشتی تایتانیک» است که این

روزها در سراسر جهان، به خصوص در کشور ما محبوبیت شگفت‌انگیزی پیدا کرده است و به دنبال الگودیری‌های ظاهری از آن‌ها چون مدل موی سر و طرح روی لباس، در زمینه‌های الگوهای عاشق و جنسی‌گرایی نیز در بین نوجوانان و حتی کودکان غوغایی به پا کرده است.

درباره تأثیر چنین فرهنگی بر جامعه ما و الگوسازی برای نسل نوجوان جامعه از طریق فیلم‌هایی ویدئویی، لازم است به نتایج یک نظرسنجی در این باره توجه شود. در یک تحقیق انجام شده در میان نوجوانان ایرانی، ۶۸/۵ درصد سؤال‌شوندگان به این سؤال که آیا دوست دارید همانند قهرمان‌های محبوبتان در فیلم‌ها زندگی کنید، پاسخ مثبت داده‌اند. در مورد راه‌های رسیدن به این هدف، ۵۲/۵ درصد گفته‌اند که سعی می‌کنند همچون ستارگان و هنرپیشه‌های فیلم‌های ویدئویی لباس بپوشند و همچون آنان رفتار کنند. (۴۱) نظام رسانه‌ای جامعه ما (تلویزیون و سینما) از سابقه تاریخی چندان مثبتی برخوردار نبوده است، تا قبل از انقلاب، مستقیماً در جهت تبلیغ ارزش‌های فرهنگ غربی فعالیت می‌کرده است. وضعیت پس از انقلاب آن‌ها نیز، علی‌رغم اینکه به هیچ وجه با گذشته قابل مقایسه نیست و در جهت ارزش‌های اسلامی و فرهنگی تلاش‌های زیادی هم شده است، اما متأسفانه باید اذعان داشت که این نظام رسانه‌ای با گستردگی‌ای که ظرف سال‌های اخیر پیدا کرده است و با ضعف‌ها و اشکالات جدیدی که در بسیاری از فرآورده‌های آن وجود دارد، در حال انجام یک جابجایی عظیم و البته نه خیلی محسوس، در بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه است که سمت و سوی آن در جهت تحکیم مبانی مذهبی، دینی و فرهنگی نیست و الگوسازی‌هایی که از طریق این نظام رسانه‌ای صورت می‌گیرد، فاقد کمتر جایگاهی برای الگوهای سازنده در ذهن نسل جدید است، و در واقع با اصل قرارداد محور تفریحی و سرگرمی، در جهت و دنباله‌روی سیاست‌های فرهنگ غربی است که سرانجام به خاطر فراهم نکردن زمینه‌های لازم برای کسب هویت متناسب با ارزش‌های فرهنگ خودی، موجب انحراف نوجوانان که فاقد پایه‌ها و مبانی عقیدتی و فکری محکمی هستند، می‌شود. (۴۲)

برای روشن‌تر شدن مطلب، به برخی از فرآورده‌های این نظام رسانه‌ای (تلویزیون و سینما) در جهت سیاست‌های فرهنگ غربی اشاره می‌شود:

- ۱- تحلیل محتوای ۲۶۹۹ آگهی تبلیغاتی در طی یک هفته در آذر ماه ۱۳۷۱ وسایل ارتباط جمعی ایران نشان می‌دهد که ۲۴ درصد آن‌ها مربوط به کالای خارجی بوده است. موزیک متن ۵۰ درصد آگهی‌های رادیو و تلویزیون و سینما را موزیک تند غربی تشکیل

می‌داده است، انگیزه‌های تحریک شده در این آگهی‌ها بیشتر مربوط به آسایش و کسب پول بوده است، بیشترین آگهی‌ها مربوط به کالای خانگی نیازمند به انرژی بوده است. به نظر می‌رسد که مخاطب ۱۹ درصد آگهی‌ها فقط طبقه مرفه و ثروتمند جامعه بوده است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که زمینه‌های قرار گرفتن آسودگی و ثروت از یک سو و کالاهای خارجی از سوی دیگر در «ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌های جامعه» (که نتیجه آن عدم احساس هویت فرهنگ خودی است) از طریق آگهی‌های صورت گرفته است. (۴۳)

۲- در گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی پیرامون عمل کرد صدا و سیما در سال‌های اخیر چنین آمده است: «از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۱، حدود ۹۰۰ بار فیلم و سریال از شبکه‌های یک و دو پخش شده که از این تعداد حدود ۷۰۰ مورد فیلم‌ها و سریال‌های خارجی بوده که با تکنیک بالای فنی و هنری تهیه شده‌اند و در نتیجه بسیار جذاب و پرنفوذ هستند، یعنی یک نوجوان ایرانی مسلمان در طول ۸ سال در حساس‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت خود، تحت تأثیر اینگونه سریال‌ها بوده است که به صورت خیلی ظریف ارزش‌های الهی و معنوی را زیر سؤال می‌برند. و یا در مورد برنامه‌های کودک و نوجوان شبکه یک تلویزیون آمده است: از مجموع فیلم‌ها و سریال‌های پخش شده برای کودکان ۹۰ درصد خارجی و ۱۰ درصد تولید داخل بوده، یعنی روزی یک ساعت کارتون خارجی از تلویزیون پخش شده است. به این ترتیب، نوجوانی که در سال ۱۳۵۷ متولد شده است، تا سال ۱۳۷۲ یعنی ۱۵ سال، حدود ۵۰۰۰ ساعت فقط فیلم و کارتون خارجی تماشا کرده است و یا به عبارت دیگر، در اختیار فرهنگ غرب و شرق بوده و آنها را با اشتیاق تماشا کرده و به عنوان الگو پذیرفته است. (۴۴)

این مسائل در حالی اتفاق افتاده است که متولیان رسانه‌ای جامعه ما چون تلویزیون، علی‌رغم توانایی استفاده از تکنولوژی جدید، به عنوان مثال تکنولوژی «متحرک سازی» (۴۵) برای ساختن برنامه‌های جذاب و الگوسازی متناسب با ارزش‌های فرهنگ خودی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی نوجوانان، متأسفانه صرفاً به خرید کارتون‌های خارجی که در آن‌ها مطابق با ارزش‌های فرهنگ غربی الگوسازی شده است، اکتفا کرده‌اند. و حتی برخی از فعالیت‌های انجام شده آن‌ها در جهت نفی الگوسازی و ایجاد زمینه‌های منفی برای کسب هویت اجتماعی نوجوانان نیز بوده است، مثلاً داستان‌هایی که دربارهٔ ائمه و شخصیت‌های بزرگ اجتماعی، دینی و فرهنگی از تلویزیون پخش شده است، عمدتاً با استفاده از نقاشی‌های بی‌تحرك و زشتی بوده است که نه تنها قابلیت تقلید و الگوپذیری نداشته بلکه بیشتر در نوجوانان ایجاد تنفر کرده است

در حالی که با استفاده از همین تکنولوژی متحرک سازی برای پخش آگهی های تجاری و بازرگانی که از لحاظ اقتصادی سودمند است، برنامه هایی با کیفیت بسیار بالا و جذاب ساخته شده و از تلویزیون پخش می شود که هر بیننده ای را مجذوب خود می کند.

سینمای ایران نیز نه تنها فاقد برنامه سازی مدون برای تبلیغ و ترویج الگو براساس ارزش های فرهنگی و اجتماعی برای نسل نوجوان و جوان جامعه است بلکه با تأثیر از سینمای غرب و مشکلات داخلی، بیشتر به دنبال کسب سود و جلب تماشاگر بوده است، به همین خاطر با ساختن برخی از فیلم ها، از قبیل ضیافت، تعطیلات تابستانی، چهره، کلید ازدواج، آدم برفی و... در عمل به معرفی و تبلیغ مدهای غربی برای نوجوانان پرداخته شده است.

مشکل سینمای ایران از این منظر، بدین خاطر است که سیاستگذاران سینمای ایران، سینما را چون رسانه ای که می تواند منشأ تحولات اجتماعی و فرهنگی باشد باور نکرده اند. سینمای کنونی ایران گرفتار بحران هویت است و این بحران به این دلیل ایجاد شده است که سینما از مردم و اهداف فرهنگی دور شده است. (۴۶)

بنابراین، رسانه های گروهی (تلویزیون و سینما) به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری که مکمل نقش خانواده و نظام آموزشی در این زمینه است و امروزه اهمیت زیادی پیدا کرده است، در جامعه ما نه تنها نتوانسته اند الگوهایی متناسب با ارزش های فرهنگ خودی برای نوجوانان بسازند که جذاب و قابل تقلید هم باشد، بلکه با تأثیر از فرهنگ غربی ملزم این رسانه ها و کاستی های نقش خودشان، در جهت نفی احساس هویت نوجوانان نسبت به فرهنگ خودی نیز حرکت کرده اند، بدین ترتیب گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی، تحت تأثیر فضای ایجاد شده توسط این رسانه ها نیز بوده است، چرا که رسانه های جامعه (تلویزیون و سینما) که بخشی از نظام فرهنگی جامعه است، به زعم «پارسونز» نتوانسته اند در نظام اجتماعی، نوجوانان را متناسب با ارزش ها، باورها و اعتقادات جامعه، درونی کنند و در نتیجه احساس هویت اجتماعی نوجوانان، متناسب با فرهنگ خودشان شکل نگرفته است. و نوجوانان تحت تأثیر فضاهای جذاب اطرافشان به زعم «لوین» و «کلوارد واهلین» که همان فرآورده های تلویزیونی و سینمایی غربی است هویت اجتماعی خود را بروز داده اند.

۴- حکومت

نهاد حکومت، در رأس نهادهای دیگر قرار داشته و به عنوان متولی نظام اجتماعی مطرح است، به همین دلیل بسیاری از انتقاداتی که در زمینه عدم جامعه‌پذیری و عدم فراهم کردن زمینه‌های لازم برای کسب احساس هویت نوجوانان، خصوصاً ساختن الگوی جاذب و قابل تقلید متناسب با فرهنگ خودی درباره سایر نهادها گفته شد، در درجه اول منتسب به نهاد دولت است، چرا که به عقیده «پارسونز» وظیفه جامعه‌پذیری افراد به عهده خرده نظام اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اجتماعی است که دولت متولی آن است. بنابراین نهاد حکومت به عنوان متولی نظام اجتماعی، علاوه بر این که در جامعه‌پذیر کردن نوجوانان متناسب با ارزش‌های فرهنگ خودی، موفق نبوده است، بلکه عمل کرد آن نیز موجب دوری‌گزینی نوجوانان از جامعه و گرایش آن‌ها به الگوهای فرهنگ غربی شده است. یکی از این زمینه‌ها، شیوه‌های نامطلوب کنترل اجتماعی اعمال شده توسط دولت و سازمان‌های وابسته به آن درباره نوجوانان است. کنترل اجتماعی موفق و مطلوب، همانطور که پارسونز نیز بیان کرده بود در درجه اول باید مبتنی بر شیوه‌های جامعه‌پذیری و درونی کردن الگوها و ارزش‌های فرهنگی باشد، و سرانجام از زور و خشونت به عنوان آخرین راه حل می‌توان استفاده کرد. اما متأسفانه در جامعه ما، کنترل اجتماعی بیش از آنکه متکی بر شیوه‌های جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌های فرهنگ خودی و درک نوجوان باشد، متکی بر شیوه‌های زور و اجبار و سرزنش و توأم با خشونت و برخوردهای مجرمانه است. (۴۷)

این گونه برخوردهای خشن با نوجوانان، با توجه به روحیه حساس آنها در دوره نوجوانی، علاوه بر این که آن‌ها را از جامعه و الگوهای فرهنگ خودی دور می‌کند، مانع بزرگی برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی آنان می‌شود، و ممکن است خرده فرهنگ نوجوانان را تبدیل به خرده فرهنگ معارض با نظام کند (۴۸) که بسیار خطرناک‌تر از گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی است، چرا که ممکن است نوجوانان با پشت سر گذاشتن دوران نوجوانی و جوانی، گرایش به الگوهای فرهنگ غربی را کنار بگذارند، اما تعارض‌شان با نظام خودی در جای خویش باقی خواهد ماند. یکی دیگر از زمینه‌هایی که به‌طور غیر مستقیم باعث تسهیل گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی شده است، اتخاذ سیاست‌های پر شتاب دولت در زمینه توسعه اقتصادی

بدون توجه به بعد فرهنگی توسعه و شیوه‌های نوین سازی با توسل به الگوهای نظام سرمایه‌داری غربی و رواج آنها در جامعه و بی‌اعتنایی به زمینه‌های فرهنگی و اصول فرهنگی جامعه است که وضعیت اجتماعی - روانی خاصی در جامعه به وجود آورده است و به طور غیر مستقیم، نوجوانان را به سمت گرایش به الگوهای فرهنگ غربی، به خصوص در زمینه‌های اخلاقی و رفتار اجتماعی سوق داده است. (۴۹) بنابراین، عمده‌ترین عامل گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی و فراهم آوردن زمینه احساس هویت برای آن‌ها تحت تأثیر خلأها و فشارهایی است که از جانب دولت به عنوان متولی نظام اجتماعی در جامعه ایجاد شده است. یعنی از طرفی تحت تأثیر پارادایم‌های صنعتی شدن، نوسازی و الگوهای توسعه مادی غرب که دولت متولی آن‌ها در جامعه است، ذهن نوجوانان به سمت گرایش به فرهنگ غربی تحریک شده است و از طرف دیگر نیز به خاطر عدم موفقیت در جامعه‌پذیری نوجوانان و اعمال شیوه‌های کنترل اجتماعی که بیشتر توأم با خشونت است، همچنین به خاطر عدم توجه به خرده فرهنگ نوجوانان و ویژگی‌ها و تمایلات و نیازهای آنها و نساختن الگوهای جاذب و قابل قبول تقلید متناسب با فرهنگ خودی، نوجوانان احساس هویت اجتماعی خود را نسبت به جامعه خویش از دست داده‌اند و به خاطر کسب هویت تازه و همچنین مخالفت با جامعه، به سوی الگوهای فرهنگ غربی که زمینه آن‌ها در جامعه توسط نظام اجتماعی و عواملی غیر از آن فراهم شده است، گرایش پیدا کرده‌اند.

۵- گروه همسالان

گروه همسالان در نوجوانی از افرادی تشکیل می‌شود که از حیث سن زمانی و عقلی به هم نزدیک‌تر و میان خود یک وحدت ناگسستگی ایجاد می‌کنند که وضع اجتماعی خاص و روش معینی در زندگی دارند. (۵۰)

اهمیت این گروه در دوران نوجوانی به خاطر خصلت‌های سنی، جنسی و منزلتی افزایش می‌یابد و در عین حال این مسأله با کاهش تأثیر والدین و بزرگ‌ترها انطباق پیدا می‌کند، تا جایی که نوجوانان سعی می‌کنند از بزرگسالان قطع وابستگی کنند. به علاوه، زمانی که والدین (جامعه) به نوجوان توجه نمی‌کنند و آن‌ها را مورد مهر و عاطفه و راهنمایی قرار نمی‌دهند، تأثیر گروه همسالان بر نوجوانان افزایش پیدا می‌کند. گروه اخیر به عنوان یکی از گروه‌های مرجع در دوران نوجوانی نقش مهمی در ایجاد الگوهای

رفتاری افراد دارد. از آنجا که نوجوانان تلاش می‌کنند به هر صورت ممکن خود را از قید بزرگسالان رهایی بخشند، به جلب دوستی و محبت هم‌تایان، بیش از هر چیزی اهمیت می‌دهند و می‌کوشند افراد گروه مورد علاقه‌شان آن‌ها را بپذیرند. به همین جهت، نوجوانان در الگوهای رفتاری خود از قبیله آرایش کردن، تمایلات موزیکی، لباس پوشیدن مخصوص، مواجه شدن با خیالات و... بیشتر تمایل به همسالان دارند. (۵۱)

به طور کلی گروه همسالان دارای عملکردهای متنوعی است. برخی از مهم‌ترین این عملکردها عبارتند از:

- ۱- جان‌نشین شدن برای خانواده ۲- منبع احترام شخصی و اجتماعی ۳- منبع ثبات و استواری در دوره تحول و انتقال ۴- حمایت‌کننده در مقابل فشار بزرگسالان و جامعه ۵- منبع قدرتی که فرد، طرز رفتار خود را به عنوان الگو از آن‌ها می‌گیرد ۶- وسیله‌ای برای انجام امور اعضاء ۷- سرمشق برای رشد اخلاقی و عقلانی. (۵۲)

بدین ترتیب، گروه همسالان، منبعی برای ارضای نیازهای نوجوانان است و به همین جهت جذب و مقبولیت خاصی برای نوجوانان دارد. این جذب به تا آن اندازه است که فرهنگ خاصی را برای آن‌ها به وجود آورده و نوجوانان از آن تبعیت می‌کنند. از جمله خصوصیات این فرهنگ عبارت است از:

- ۱- به ارزش‌های سنتی چندان پایبند نیست ۲- رازداری در بین افراد آن متداول است. ۳- از بزرگ‌ترها و طبقه اجتماعی خود تبعیت نمی‌کنند ۴- معیار خاصی را برای معاشرت اعضا با یکدیگر دارد. ۵- زبان و خرده فرهنگ ویژه‌ای دارد ۶- اجبار برای پیروی از یکدیگر احساس می‌شود. (۵۳)

بنابراین گروه همسالان که خرده فرهنگی متفاوت با سایر گروه‌ها و نهادهای اجتماعی دارد، با حمایت از نوجوانان در مقابل فشارهای بزرگسالان و جامعه و ایجاد امنیت برای آن‌ها، نوجوانان را جذب کرده و آن‌ها را در فرایند کسب هویت اجتماعی‌شان یاری می‌کند. در صورتی که نقش گروه‌های دیگر و نظام اجتماعی ضعیف باشد، گروه همسالان قوی‌تر عمل می‌کند به همین دلیل، گروه همسالان هم در جهت کسب احساس هویت اجتماعی و هم در جهت کسب احساس بی‌هویتی اجتماعی می‌توانند نوجوانان را یاری کند.

□ نتیجه سخن

از آنچه درباره دوره نوجوانی و نقش نهادهای اجتماعی گفتیم، نتایج زیر را می‌توان

استنباط واستنتاج کرد:

- ۱- هدف از بیان مطالب فوق آن بود تا بگوییم نوجوانان و جوانان قشر توانمند جامعه بشری اند که انواع آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به آنها هجوم می‌آورد. از این رو، دولت‌ها و ملت‌ها نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند و نسبت به نیازهای نوجوانان بی‌توجه باشند.
- ۲- دوره نوجوانی، یک دوره بحرانی است. به همین جهت، نوجوانان برای گذر موفقیت‌آمیز از آن، نیازمند به یاری و پشتیبانی اطرافیان خود هستند.
- ۳- از آن جایی که شخصیت انسانی در دوره نوجوانی شکل می‌گیرد، شایسته است تدابیر لازم برای تغییرات مناسب و مورد نظر در آنان اتخاذ شود. زیرا بعد از آن، تغییرات دلخواه را نمی‌توان در آنان به عمل آورد.
- ۴- برای ایجاد تغییرات رفتاری می‌توان از خانواده، مدرسه، رسانه، حکومت و... سود برد. مشروط به این که، این نهادها هماهنگ عمل نمایند.
- ۵- بخش زیادی از جمعیت ایران رانوجوانان تشکیل می‌دهند، از این رو توجه علمی به نیازهای نوجوانان و تلاش برای ارضای آن یک ضرورت است. غفلت از این موضوع به طور حتم بحران‌های اجتماعی بزرگی را در پی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - روانشناسی نوجوانان، اسماعیل بیابانگرد، ص ۱۲؛ محمدرضا شرفی، دنیای نوجوان، ص ۵۱-۵۲.
- ۲ - روان‌شناسی نوجوانان برای مربیان، گلن مایزر بلر و استیوارت جونز، ترجمه رضا شاپوریان، ص ۳۹-۹۰.
- ۳ - مراحل تربیت، موریس دبس، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۹.
- ۴ - نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی، رالف مويس، ترجمه ناصر الدین صاحب الزمانی، ص ۱۲-۱۴.
- ۵ - همان، شرفی، ص ۵۲-۵۳.
- ۶ - همان، بیابانگرد، ص ۱۱.
- ۷ - گذر از نوجوانی به پیری، نسرين اکبرزاده، ص ۳۲.
- ۸ - روانشناسی نوجوانان و جوانان، سيد احمداحمدی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مشعل، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳-۲۳۴.
- ۹ - صحیفه نور، امام خمینی، پیام به مناسبت آغاز سال تحصیل، ج ۱۵، ص ۲۲۷-۲۴۴.
- ۱۰ - روان‌شناسی اجتماعی، حمزه گنجی، ص ۲۲۰-۲۲۱.
- ۱۱ - حمزه گنجی، روان‌شناسی رشد، ص ۲۱۷.
- ۱۲ - مجله نگاه حوزه، ش ۴۹-۵۰ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸)، ص ۱۸.
- ۱۳ - روانشناسی نوجوانان برای مربیان، بلر، گلن مایرز و جونز، استیوارت، رضا شاپوریان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سیمرغ، سال ۲۵۳۶-۲۵۳۷، ص ۸۵.
- ۱۴ - نظریه‌های شخصیت، دوا شولتز و آلن شولتز، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۲۴۵-۲۵۱.
- ۱۵ - دواشولتز و آلن شولتز، همان، ص ۲۵۹-۲۶۰.
- ۱۶ - موريس، همان، ص ۹.
- ۱۷ - مبانی روان‌شناسی رشد، عبدالله شفیق آبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات چهر، ۱۳۷۲، ص ۹۵-۹۶.
- ۱۸ - مشکلات نوجوانان و راه حل آن‌ها، هلن شاکتر، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد، دانش سرای عالی، ۱۳۵۲، ص ۲۴.
- ۱۹ - شفیق آبادی، همان، ص ۹۱.
- ۲۰ - مجله انجمن اولیاء و مربیان، ش ۵ (۱۳۷۳)، ص ۱۱.
- ۲۱ - اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، یوسف اردبیلی، ص ۱۱.
- ۲۲ - فضا و نابرابری اجتماعی، عماد افروغ، مطالعه فضایی و تمرکز فقر در محله‌های تهران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۷۶)، ص ۴۶.
- ۲۳ - جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، حسین شکوهی، ص ۲۲؛ مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، ج ۱، فصل چهارم از باب دم؛ جامعه‌شناسی، هانری متداس و گوریچ ژرژ، ترجمه باقر پرهام، ص ۱۷۷.
- ۲ - ۴ - مبانی جامعه‌شناسی، متداس، هانری و ژرژ گوریچ، باقر پرهام، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۷۷.
- ۲۴ - مجله معماری و شهرسازی، خانه‌های ایرانی در مسیر ویرانی است، محمدرضا حائری، شماره ۳۱، دوره ششم (۱۳۷۴)، ص ۸.

- ۲۵ - درآمدی بر جامعه‌شناسی، روس کوئن، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ص ۷۹.
- ۲۶ - درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، حسین ابوالحسن تنهایی، چاپ سوم، نشر مدنیز، ۱۳۷۷، ص ۴۷۴.
- ۲۷ - والدین تنها شامل پدر و مادر نمی‌شود، بلکه شامل کسانی می‌گردد که بچه را بزرگ می‌کنند، والدین می‌توانند شامل پرورشگاه، پدر خوانده، مادر خوانده و یا هر کسی که مکلف بزرگ کردن است نیز باشد.
- ۲۸ - مکارم الاخلاق، ابی‌نصر طبرسی، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۴، ص ۴۷۸.
- ۲۹ - مسایل نوجوانان و جوانان، محمد خدایاری فرد، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، سال ۱۳۷۱، ص ۱۰۰.
- ۳۰ - غربت غرب، احسان نراقی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۶، چاپ چهارم، ص ۱۴.
- ۳۱ - مدارس غیر انتفاعی و تحرک اجتماعی، علی محمد حاضری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۲) ص ۶-۱۲.
- ۳۲ - آسیا در برابر غرب، داریوش شایگان، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ۲۹۹-۳۰۱.
- ۳۳ - نگاه کنید به: ۳- ۱ - همان، فصل چهارم.
- 34 - Mass media
- ۳۵ - جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ژان کازنو، ترجمه ساروخانی و محسنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰، ص ۴.
- ۳۶ - همان، ص ۹۵.
- ۳۷ - همان، ص ۴۷۴.
- ۳۸ - ژئوپلیتیک اطلاعات، آنتونی اسمیت، ترجمه فریدون شیروانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۹، ص ۳۷.
- ۳۹ - روانشناسی رشد، علی اکبر شعاری نژاد، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۱۸.
- 40 - Lipset, seymoure, martin, Reblion in the university: A History of student in America, London, Routhledge and Kagan Paul, 1971. P. 28.
- ۴۱ - نگاه کنید به: مجله سروش، نشریه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۱، ۱۳۷۲، ص ۵۲.
- ۴۲ - نگاه کنید به: ۲- ۱ - روان‌شناسی تربیتی، مرتضی منطقی، ص ۱۶۵.
- ۴۳ - تبلیغات بازرگانی و تهاجم فرهنگی، مهدی محسنیان راد، نقش آگهی‌ها در انتقال ارزش‌های جامعه مصرفی، خلاصه مقالات «کنفرانس تهاجم فرهنگی، ماهیت و ابعاد آن»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، دی ۱۳۷۳، ص ۲۴.
- ۴۴ - بررسی مفهوم جامعه‌پذیری، علی اکبر کمالی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۴، ص ۱۹۰-۱۹۱.

45 - Animation.

۴۶ - نگاه کنید به:

۱- ۱ - ماهنامه سوره، کدام سینما؟ مرتضی آوینی، شماره سوم، بهار ۱۳۷۱، ص ۳۲.

- ۱ - ۲ - هویت در سینمای ایران: جهانگیرالماسی، ماهنامه فرهنگ سینما، شماره ۵۳، خرداد ۱۳۷۵، ص ۵۵.
- ۴۷ - نگاه کنید به: مجله ایران فردا، «جوانان، آزادی، رشد»، سید حمید نوحی، سال پنجم، شماره ۲۶، تیر ۱۳۷۵، ص ۶۰ - ۷۱.
- ۴۸ - نگاه کنید به: بزهکاری نوجوانان مسأله‌ای برای دنیای مدرن، ویلیام سی‌کوارا کیوس، جعفر نجفی زندی، چاپ اول، تهران، نمایشگاه کتاب کودک، ۱۳۶۷، ص ۷۹.
- ۴۹ - نگاه کنید به:
- ۱-۱ - پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، پرویز ورجاند، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸، ص ۱۱۱.
- ۱-۲ - ایرانیان و اندیشه تجدد، عطا هوشیاری، ماهنامه نگاه نو، شماره ۳۱، بهمن ۱۳۷۵، ص ۱۴۱.
- ۳-۱ - ماهنامه نیستان، همه نیاز به خانه‌تکانی داریم، مهدی نصیری، ص ۹.
- ۴-۱ - توسعه: آفریننده و مخرب ارزش‌ها، دنیس گولت، غلامعلی فرجادی، فصلنامه علمی، پژوهشی برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۱۰، بهار ۱۳۷۴، ص ۶۸.
- ۵۰ - شعاری‌نژاد، همان، ص ۳۵۲.
- 51 - Light Jr. Donald and Keller, sociology, Forth Edition, Alfred A. Knopf Inc, 1985. P. 110
- ۵۲ - روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، سید احمد احمدی، ص ۴۷.
- ۵۳ - همان، ص ۴۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی